



۲۰۱۳/۰۹/۱۲

داکتر سید عبدالله کاظم

## به جواب گلایه های یک دوست

بعد از سلام و عرض ادب خدمت دوست گرامی جناب جمیلی صاحب! نوشته پر لطف شما را چند بار خواندم تا ببابم که گلایه شما در کجا است، پس از آنکه با زحمت موفق به دریافت اصل موضوع شدم، خواستم با انصراف از دادن جواب به حاشیه مطالب که آنرا جز ضیاع وقت چیزی دیگری نمی دانم و ابراز نظر در آن مورد بیهوده است، به اصل مطلب بپردازم که بیش از چند نکته نخواهد بود و جای بحث طولانی را نخواهد داشت، از این قرار:

۱ - برای یک شخص «کتاب خوان» مراجعه به همه کتب تاریخ اعم از مؤرخین افغان و یا خارجی به حیث یک روش قبول شده، معمول است که در همچو متون لازم نیست القاب شخص یا کلماتی مثل «آقای، جناب، محترم، مرحوم، زنده یاد و غیره» قبل و یا بعد از اسم نوشته شود، تنها برای معرفی مقام لازم است تا در آغاز موضوع شخص با ذکر مقام یاد گردد و اما در ادامه بحث همیشه شخص با ذکر نام اصلی و یا تنها تخلص اکتفا می شود. رعایت این شیوه در نامه های شخصی که شخص مخاطب باشد، ضروری است طوریکه شما و من آنرا همیشه رعایت می کنیم. اگر با این گفته موافق نیستید، لطفاً به کتب تاریخ مراجعه و حل مشکل فرمائید. میدانم مشکل شما در این مورد در کجا است که نمی خواهم در باره تبصره کنم.

۲ - در آغاز مقاله به مقصد طرح موضوع مورد بحث نوشته ام: «این سؤال بر مبنای شرحی بود که عبدالصمد غوث - آنوقت مدیر عمومی سیاسی وزارت خارجه افغانستان نویسنده کتاب «سقوط افغانستان» در باره جریان این مذاکرات بیان کرده است و اما عبدالجلیل جمیلی - آنوقت مدیر روابط اقتصادی وزارت خارجه که در مجلس به حیث ترجمان رسمی طرف افغانی اشتراک داشت، بعداً بر متن منتشره کتاب صمد غوث طی چند مقاله مبسوط اعتراض کرد و جریان را با عبارات متفاوت بیان داشت و تأکید کرد که داود خان هرگز مجلس را با عصبانیت ترک نکرد و با «متانت و لهجه آرام» به پرسش کاسیگین جواب داد، مثل اینکه «لحظه ای قبل هیچ جریانی یا حادثه ای رخ نداده باشد».

اینکه آقای صمد غوث در همان سال ۱۹۷۷ از مقام مدیریت عمومی سیاسی، به معینیت سیاسی عز تقرر حاصل کردند و من وی را با ذکر مقام قبلی شان معرفی داشتم، کدام گناه بزرگ نیست و اما می دانم که در معرفی شما بر علاوه ذکر مقام اینکه شما در آن مجلس به حیث ترجمان رسمی اشتراک داشتید، به شما برخورد و موجب خشم شما شده است. اگرچه آقای محمد انور نوروز گفته اند که شما به حیث ترجمان معرفی نگردیده بودید، ولی در عین زمان ایشان این ادعای شما را که گویا شما متوجه تغییر ترجمه شده و آنرا به وحیدعبدالله گفته و رئیس جمهور و بریژنف هر دو متوجه مشکل شده و بریژنف به ترجمان دستور داده که آنچه را گفته است، ترجمه کند، آنرا آقای نوروز: «نه تنها عاری از حقیقت» دانسته اند، بلکه نوشته اند که: «عقل سلیم باورکرده نمی تواند در مذاکرات سران دول هیچ فردی بخود اجازه داده نمی تواند که همچو زشتی را انجام دهد». (برگرفته از متن اصلی منتشره آئینه افغانستان و مقاله محترم داکتر هاشمیان در افغان جرمن آنلاين مؤرخ ۹ سپتمبر ۲۰۱۳، ص ۴)

در اینجا باید تذکر داد که اگر ادعای شما مبنی بر تصحیح ترجمه درست باشد، در آنصورت شما وظیفه یک ترجمان رسمی را انجام داده اید، ولو که در آن وظیفه رسماً توظیف نشده بودید. از همه مهمتر اگر می گذاشتید که با تمام حساسیت ها ترجمان روسی متن را «ملايم» ترجمه کرده بود، شاید این بحث به برخورد جدی منتهی نمی شد. نمی دانم که این مسؤولیت بزرگ را چگونه باید توجیه کرد، آیا اینکار را محض احساسات نامید یا سهو فراتر از وظیفه محوله یک دیپلمات ورزیده مثل شما؟ بهرحال نمی خواهم شما را با ذکر این موضوع ناراحت سازم و مجبور به جوابدهی نمایم.

۳ - درست است که رشته اصلی من «اقتصاد و علوم اجتماعی» می باشد، ولی من از مدت ها بدین سو نظر به ارتباط مسلک و علاقمندی به تاریخ معاصر کشور در زمینه تحقیق و مطالعه کافی و وافی داشته و در طول هفتاد

سال عمر حتی بیشتر از شما گرم و سرد حوادث کشور را شاهد و ناظر بوده ام، حتی وقتی شما هنوز هم مأمور عالی‌مقام وزارت خارجه بودید، من و دوستان همفکر من در زندان مخوف پلچرخي بسر می بردیم. چنانکه علاقه من به تدقیق در مسائل تاریخی کشور همه در طول سال ها درج کتب، رسالات، مقالات و مصاحبه هایم در رسانه ها گردیده است و شاهد این مدعا من است. بهرحال تدقیق مسائل تاریخی فهم چندین جانبه می خواهد، به نظر بسیاری از دانشمندان یک اقتصاد دان می تواند یک تحلیل گر خوب سیاسی و تاریخی باشد، چون سیاست و تاریخ با اقتصاد پیوند بسیار قریب دارد و همه از یک ریشه آب می خورد. این موضوع را فقط برای آگاهی شما نوشتم و علاوه می دارم که بررسی مسائل تاریخی از محقق می خواهد تا حب و بغض ها و احساسات شخصی و وابستگی ها را کنار بگذارد و بکوشد تا به حقایق ولو تلخ باشد، دسترسی پیدا کند. محقق جیون که از تهدیدها بترسد و تاریخ را تحریف کند، محکوم به خیانت در کتمان حقایق و نیز در فن تدقیق است.

۴ - برای من شخصیت داؤد خان شهید بسیار قابل احترام است و من او را یکی از بارزترین شخصیت های قرن ۲۰ کشور می دانم که در طول آن قرن دومین شخصیت محسوب می شود، ولی این موضوع موجب نخواهد شد که من از خلا های کارکرد ایشان چشم اغماض ببوشم و آنرا نادیده بگیرم. اگر من ایشان را شخص «مغرور و افغان وطن دوست» خطاب کرده ام، حقیقت است که او حرف کسی را نمی شنید و کسی هم جرأت نمی کرد بالای حرفش، حرفی بگوید. ولی غرور او را در دفاع از حقانیت گفتارش و در دفاع از منافع کشورش باید بسیار ستود و ارج گذاشت، چنانکه در جواب بریژنف این «غرور ملی» را تبارز داد و برایش جای بلند در تاریخ کشور بخشید، ولو که بعضی ها این جواب را موجه ای برای کودتای ثور می دانند. من در مقاله خود ثابت ساخته ام که مشکلات در روابط شوروی و افغانستان دو سال قبل از سفر ماسکو یعنی با تصفیه پرچی ها و خلقی ها از کابینه آغاز شد و حین سفر از عمق به سطح آمد. من هرگز ادعا نکرده ام که باید داؤد خان در جواب خاموشی اختیار می کرد. لطفاً با دریچه نظر خواهی در زمینه مراجعه فرمائید و متن را در تبصره کوتاه من به جواب دیگران بخوانید و باز از حافظه!! کار نگیرید.

۵ - اینکه افغانستان از نظر قوت نظامی و اقتصادی یک کشور ضعیف و به مقایسه دو کشور همسایه از نظر نفوس و ساحه کوچکتر است، واقعیت دارد و اما اینکه من نوشته ام: «بریژنف از داؤد خان پرسید که آیا سیاست تسلیحاتی ایران که به حیث نماینده ایالات متحده در منطقه حفاظت از منافع آن کشور را دارد، برای همسایه کوچک آن احساس خطر نمی کند؟»، من این حرف را از خود نساختم، بلکه آنرا از متن کتاب «سقوط افغانستان» اقتباس کرده ام که آقای صمد غوث با شرح بیشتر به آن پرداخته است (سقوط افغانستان، ترجمه دری، صفحه ۲۳۵). اینکه شما آنرا «سراپا غلط» می دانید، مشکل شما با من نیست، بلکه با متن کتاب است.

۶ - اینکه من نوشته ام: «درباره جریان ختم مجلس تا جائیکه من از زبان یکی از اراکین وزارت خارجه چند روز بعد از برگشت داؤد خان از سفر مسکو شنیدم، او می گفت که به تعقیب جوابیه داؤد خان فضا قدری تغییر کرد ولی کاسیگین با طرح یک سؤال خواست جویای نظر داؤد خان شود و صحنه را تغییر دهد. داؤد خان نیز به آرامی و متانت به شکل دوستانه به جواب پرداخت و بعد از آن مجلس طور معمول به پایان رسید. اما هنگام وداع بریژنف روی به داؤد خان کرد و گفت که شما تقاضای صحبت خصوصی با من داشتید، من حاضرم. داؤد خان به آرامش جواب داد که اکنون ضرورتی به آن نیست.

جمیلی صاحب محترم! این متن در نوشته خود شما نیز با شرح بیشتر انعکاس یافته، چنانچه خود شما در هر دو مقاله های قبلی خود حتی جریان سؤال و جواب کاسیگین و داؤد خان را باز هم به کمک حافظه قوی خود حرف به حرف بیان کرده اید و نوشته اید: «با پایان این جمله (مقصد آخرین جمله جوابیه داؤد خان به بریژنف است - نویسنده) که عواقبش چه می آید، فوراً الکسی کاسیگین صدراعظم اتحاد شوروی که شخص دراک و سیاست مدار ورزیده بود و ادامه همچو بیانات را باوخامت آن بخوبی درک کرده بود، رو به رئیس جمهور افغانستان کرد و سؤال خود را بکلی خارج موضوع و پروگرام و به اصطلاح آب اندختن برآتش افروخته بریژنف بود، مطرح کرد.» «متن سؤال و جواب کاسیگین و داؤد خان شهید در هر دو مقاله جناب جمیلی درج است»، مراجعه شود به آرشیف نویسندگان تحت نام آقای جمیلی هر دو مقاله موجود می باشد.

جمیلی صاحب گرمی! ناراحت نشوید اگر کسی نوشته خود را که پنج شش سال قبل صورت گرفته است، به حافظه نداشته باشد، چطور می توان به حافظه او آنهم به اعتبار کلمات آنچه دو دهه قبل گفته شده است، اعتبار کرد؟

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

۷ - این که من در باره اهمیت کتاب « سقوط افغانستان » و مطالعه این اثر مهم را برای علاقمندان توصیه کرده ام، نباید موجب رنجش و انتقاد شما شود. اینکه کتاب به نظر شما : «یک توطئه نامه سؤال برانگیز ماجراجویانه » است و از من خرده گرفته اید که: «چرا برای هر هموطن علاقمند به موضوع توصیه میداری و چرا؟؟؟»، جواب آنرا باید در متن پرمحتوای کتاب باید یافت. من برای هر محقق تاریخ معاصر کشور مطالعه این اثر مهم را بار بار توصیه میدارم.

اقای جمیلی محترم! کاش شما به حیث یک شخصیت عالیمقام آنوقت وزارت خارجه افغانستان قلم بدست می گرفتید و در باره حقایق کشور چیزی می نوشتید و در این موضوع بس مهم خاموشی اختیار نمی کردید، تا قبل از نوشتن کتاب «سقوط افغانستان» شما می توانستید کمکی برای روشن شدن حقایق تاریخی می کردید، ولی اکنون شخصیت بسیار متبازتر، با تجارب بیشتر و در مقام عالیتر از شما کوشیده تا در آخر عمر حقایق را بطور مستند و یا به اتکای تجارب خود بنویسد و برای نسل فردا به میراث بگذارد، شما به آن شخصیت بجای تمجید از کارش می تازید و کتاب پرمحتوای او را یک «توطئه نامه، سؤال انگیز و ماجراجویانه» می خوانید، جای بسیار تأسف است.

از اینکه نخواستم به حاشیه پردازی های نوشته شما که برایم بسیار نا مفهوم بود، بپردازم حتماً خود می دانید که جواب در همچو نکات بی ربط جز ضیاع وقت چیز دیگری نخواهد بود. درخاتمه برای شما صحت، عمر با خوشی و سعادت خواهانم و اگر باز هم شما به این بحث ادامه دهید، بصورت قطعی از من جوابی نخواهید یافت.

پایان

---

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ